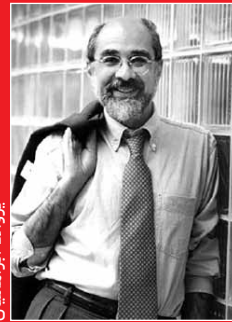




سوراب بهداد



بیرواند آبراهامیان



احمد اشرف



## مرور برخی کتاب‌های منتشر شده پیرامون طبقه در ایران همه چیز درباره طبقه

### پیام حیدر قزوینی

مفهوم «طبقه» مفهومی متعلق به اندیشه مارکسیستی نبوده و نیست، اما بی‌شک باید به این نکته معترف بود که استفاده مارکس و مارکسیسم از آن و نیز مبنا قرار دادن تحلیل طبقاتی در بررسی جامعه سرمایه‌داری به‌نحوی بود که امضای مارکسیسم بر پای این مفهوم نگاشته شد. اما به سبب بسیاری دیگر از مفاهیم مارکسیستی، نظیر «دیکتاتوری پرولتاریا»، مارکس فرصت نیافت یا چندان ضرورتی ندید که تکلیف خود را با آن روشن کند. به عبارتی مارکسیست‌های بعد از مارکس همواره گرفتار این بحران بوده‌اند که پیشتر از آنکه بخواهند «طبقه کارگر» را به عنوان «طبقه‌ای انقلابی» مورد شناسایی قرار دهند، در ابتدا باید خود این طبقه را در جامعه خویش تشخیص دهند. در واقع شاید بتوان در کنار پرسش «پس از سرمایه‌داری چه خواهد شد؟» این پرسش که «منظور از طبقه و به تبع آن، طبقه کارگر چیست؟» را به عنوان پرسش اصلی مارکسیسم پس از مارکس در نظر گرفت. به این ترتیب ایرانیان نیز از زمان ورود اندیشه مارکسیستی در آغاز انقلاب مشروطه تاکنون، کوشیده‌اند تا به زعم خویش پاسخ درخوری به پرسش مذکور دهند.

شاید نخستین تحلیل‌های منسجم طبقاتی در جامعه ایران را بتوان از انقلاب مشروطه به بعد یافت اما از آنجا که شیوه‌های نخبه‌گرا و شرق‌شناسانه مبتنی بر تحلیل‌های «غیرطبقاتی» بر تاریخ‌نگاری ایران مسلط بوده‌اند، برای یافتن نخستین آثار در این زمینه، باید به تاریخ‌دانان و فعالان چپ رجوع کرد که در تحلیل‌هایشان از طبقه به عنوان یک مفهوم بنیادین استفاده کرده‌اند. عمده آثار آن دوران یا مستقیماً توسط نویسندگانی اهل شوروی یا به هر حال تحت‌تأثیر مارکسیسم شوروی نوشته شده‌اند. از اولین آثار قابل توجهی که به ظهور طبقه کارگر در ایران پرداخته است، تحقیق عبداله‌اف، به نام «صنعت ایران و شکل‌گیری طبقه کارگر در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم» است. این تاریخ‌دان روس در تحقیقش به بررسی جنبه‌های کمی و کیفی طبقه کارگر و شرایط کار و فعالیت‌های سیاسی آنان می‌پردازد. همچنین باید از م. ایوانوف نیز یاد کرد که به اوضاع عمومی طبقه کارگر ایران تا اوایل دهه ۴۰ پرداخته است. در میان اعضای حزب توده نیز آثاری در مورد طبقه و طبقه کارگر در ایران نوشته شد که شاید مهم‌ترین آنها کتاب عبدالصمد کامبخش با نام «بررسی جنبش کارگری و کمونیستی در ایران» باشد. اما از میان آثار چپ‌های با گرایش چریکی نیز می‌توان به «رد تئوری بقا و لزوم مبارزه مسلحانه» امیر پرویز پویان و نیز کتاب «طرح جامعه‌شناسی و مبانی استراتژی جنبش انقلابی ایران» بیژن جزنی اشاره کرد که در سال ۱۳۵۸ توسط انتشارات مازیار منتشر شد. جزنی در این کتاب که در سال ۱۳۵۱ و در زندان نوشته بود، به اقتصاد ایران و اصلاحات ارضی پرداخته است. او در فصل دوم کتاب (بورژوازی کمپرادور به مثابه طبقه حاکم) تحلیل قابل‌اعتنایی از طبقه حاکم پس از اصلاحات ارضی شاه ارائه می‌دهد.

اما مناقشه بر سر طبقه و ساختار طبقاتی در جامعه ایران همواره در میان نویسندگان جریان‌های فکری مختلف وجود داشته است. در حالی که آثار اولیه چپ‌ها عمدتاً نقشی غایت‌گرایانه برای طبقه کارگر قابل بودند، در سال‌های منتهی به انقلاب علی شریعتی از چیزی به نام «طبقه روشنفکر» یاد کرد و حتی در این سال‌ها برخی دیگر جامعه ایران را فاقد طبقه دانسته‌اند.

حتی گاه تلاش شده است که از به کارگیری مفاهیمی مثل طبقه، سرمایه‌دار و کارگر پرهیز شود و از واژه‌هایی چون تولیدکننده و مصرف‌کننده و کارآفرین به جای آنها استفاده شود. اما می‌توان گفت بخش عمده‌ای از این تحلیل‌ها نه با اتکا به داده‌ها و وضعیت عینی جامعه بلکه مبتنی بر نظریه و ایده‌های انتزاعی بوده‌اند. اما در سال‌های اخیر پژوهش‌ها و تحقیق‌های مهمی پیرامون طبقه و ساختار طبقاتی ایران صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد. البته کتاب‌هایی که به آنها اشاره می‌شود تنها شامل آثار فارسی است و آثار مهم دیگری را که به فارسی برگردانده نشده‌اند دربر نمی‌گیرد. از مهم‌ترین آثار غیرفارسی باید از پژوهش آصف بیات با نام «کارگران و انقلاب در ایران» که پایان‌نامه دکترایش بوده است، نام برد.

### طبقه و کار در ایران

این کتاب که برنده جایزه انجمن مطالعات جهان سوم در نوامبر ۲۰۰۷ شده است، پژوهش سهراب بهداد و فرهاد نعمانی است و با ترجمه محمود متحد در سال ۱۳۸۷ توسط نشر آگاه منتشر شد. «طبقه و کار در ایران» از یک جهت شاخص‌ترین کتابی است که تا به حال پیرامون اقتصاد ایران در دوران پس از انقلاب مبتنی بر تحلیل طبقاتی منتشر شده است و با داده‌های روشن و علمی به تحلیل ساختار طبقاتی جامعه ایران پرداخته است. چارچوب تئوریک کتاب مبتنی بر آرای «اریک الین رایت»، جامعه‌شناس آمریکایی است که در سنت رویکرد مارکسی قرار دارد. نویسندگان در مورد چارچوب نظری پژوهش‌شان در بخش دوم کتاب به طور مفصل بحث کرده‌اند. بهداد و نعمانی با اندکی تغییر نظریه رایت را برای تحلیل‌شان به کار می‌گیرند چراکه معتقدند چارچوب آرای رایت یعنی کاریست سه محور مناسبات مالکیت، مدیریت/اقتدار سازمانی و مهارت/صلاحیت‌های کمیاب، به‌خوبی می‌تواند ویژگی‌های طبقاتی در سرمایه‌داری معاصر را بنمایاند. به این اعتبار آنها چهار دسته طبقه را در ایران بعد از انقلاب تشخیص می‌دهند: سرمایه‌داران، خرده‌بورژواها، طبقه متوسط و طبقه کارگر. مواجهه مولفان با طبقه‌ها بر اساس درجه‌بندی امکانات زندگی یا درآمد، بلکه بر پایه روابط نابرابر اقتصادی است و کوشش کتاب نیز نشان دادن نابرابری‌های ساختارمند در فعالیت‌های اقتصادی ایران پس از انقلاب است. اگرچه در این پژوهش به قومیت، مذهب و خاصه جنسیت به عنوان سه منشاء دیگر نابرابری‌ها در این دوره اشاره شده و جنسیت فصلی جداگانه را به خود اختصاص داده است، اما تحلیل طبقاتی محور اصلی بررسی نابرابری‌های اقتصادی بوده است.

اما اهمیت اصلی این کتاب در تحلیل آمپریکی است که پیرامون وضعیت و آرایش طبقات در پی انقلاب ۵۷ ارائه می‌دهد و از این منظر بی‌گمان اثری یگانه است. بهداد و نعمانی با استفاده از آمار سرشماری ۱۰ ساله نفوس و مسکن ایران برای سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده‌اند اندازه مطلق و نسبی هر گروه طبقاتی را به تفکیک بررسی کرده‌اند و این همان چیزی است که در کتاب‌ها و تحقیقات دیگر تا اندازه زیادی غایب است.

بهداد و نعمانی اقتصاد دوران پس از انقلاب را در دو دوره مجزا مورد بررسی قرار می‌دهند: درون تابی ساختاری در دهه نخست انقلاب و وارونه آن و برون تابی در دهه بعد. به گفته آنها، دهه نخست با بحران پساانقلابی و به خطر افتادن امنیت سرمایه همراه است که اختلال در فرآیند انباشت، مناسبات سرمایه‌داری تولید را متوقف کرد و پرولترزادایی کار و دهقانی شدن

کشاورزی به وجود آمد. به این اعتبار در دهه اول انقلاب آرایش و ترکیب طبقات اجتماعی تغییر می‌یابد. از تعداد اعضای طبقه سرمایه‌دار، طبقه کارگر و طبقه متوسط کاسته می‌شود و بر طبقه خرده‌بورژوا افزوده می‌شود. اما مهم‌ترین ویژگی دوران دوم - «برون تابی» - خصوصی‌سازی اقتصادی و احیای مناسبات سرمایه‌داری از رهگذر سیاست لیبرالیسم اقتصادی بوده است. این دو گرایش متضاد تأثیرات چشمگیری بر ماهیت طبقاتی اشتغال در ایران داشته‌اند. اگر دوره نخست دوره شکوفایی سرمایه‌داران و خرده‌بورژواهای سنتی بود، در دوره برون تابی در دهه بعد شاهد افزایش چشمگیری در تعداد سرمایه‌داران و خرده‌بورژواهای مدرن هستیم. پس از انتشار این کتاب یکی از مهم‌ترین نقدهایی که به آن شد، بی‌اعتنایی به مقوله فرهنگ و شرایط عمومی فرهنگی در این پژوهش و محدود ماندن در چارچوبی اکونومیستی بوده است.

### طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران

این کتاب نوشته احمد اشرف و علی بنو عزیزی است که با ترجمه سهیلا تریایی‌فارسانی در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارات نیلوفر منتشر شد. کتاب در شش فصل تنظیم شده است و سه مقاله نخست به بررسی طبقات اجتماعی ایران در سه دوره تاریخ میانه، دوران قاجاریه و دوران پهلوی می‌پردازد. مقاله چهارم به نقش ارتباط بازار-روحانیت در جنبش‌های اعتراضی یک قرن گذشته در ایران پرداخته است. مقاله پنجم نقش طبقات اجتماعی در انقلاب را مورد بررسی قرار داده و آخرین مقاله کتاب هم به انقلاب سفید و اصلاحات ارضی و نیز مساله مبارزه برای زمین در طول انقلاب پرداخته است.

این پژوهش با توجه به نظریه «وبز» هم به طبقات و هم به گروه‌های منزلتی توجه دارد و قشربندی اجتماعی آن ترکیبی از هر دو است. به طور مشخص، در تحلیل طبقاتی کتاب عنصر سنتیز طبقاتی امری قانونی نیست بلکه در حاشیه قرار دارد. اشرف حضور طبقه خرده‌بورژوا (اصناف و بازاریان) در انقلاب ۵۷ را برآیند یک سنتیز طبقاتی صرف نمی‌داند و موتور محرک انقلاب را نه طبقه خرده‌بورژوا که روحانیت می‌داند.

### ایران بین دو انقلاب

اثر شناخته‌شده بیرواند آبراهامیان که در آن به تحلیل مبانی اجتماعی سیاست در ایران، از دوران انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی پرداخته است. تحلیل آبراهامیان مبتنی بر تحلیل کنش متقابل سازمان‌های سیاسی و نیروهای اجتماعی است که این نیروها را به گروه‌های قومی و طبقات اجتماعی تقسیم کرده است. آبراهامیان طبقه اجتماعی را به معنای اقرار وسیع افقی متشکل از افرادی دارای ارتباط مشترک با وسایل تولید، رفتار متقابل مشترک با شیوه مدیریت و رویکرد مشترک به نوسازی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قلمداد کرده است. تحلیل آبراهامیان مبتنی بر رویکرد نومارکسیستی بی. پی. تامپسن است که طبقه را نه فقط بر حسب ارتباط آن با شیوه تولید بلکه در متن زمان تاریخی و اصطلاحات اجتماعی آن با طبقات معاصر درک می‌کند. این کتاب با دو ترجمه مختلف توسط نشر نی و مرکز منتشر شده است.

آثار فوق را می‌توان آثار شاخص در این زمینه دانست، اما به جز اینها می‌توان کتاب‌های دیگری از جمله «رشد روابط سرمایه‌داری در ایران» محمدرضا سوداگر، «طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر» محمدرضا بحرانی (آگاه، ۱۳۸۸) و «حشاکت سیاسی طبقه کارگر در ایران» افشین حبیب‌زاده (کوپر، ۱۳۸۷) را نام برد.